

تہمین
تمرین امتحان

عربی دھم



حُمص
از غذاهای محبوب عربی

محسن آهوپی، عرفان جالیزی

مقدمه

به نام او که منشأ «تمام» خوبی‌هاست

تا آنجا که یادمان می‌آید، هر وقت از امتحانی خلاص می‌شدیم، توی حیاط مدرسه دور هم جمع می‌شدیم و با دوستانمون می‌گفتیم: «آخیش! بالأخره اینم «تمام» شد». آهان! گفتیم: «تمام!» «تمام» برای ما یادآور اون آب خوشی که بعد امتحان از گلومون پایین می‌رفت: همون امتحانایی که وقتی از سر جلسه بلند می‌شدیم و توی راهروی مدرسه آزمون می‌پرسیدن چند می‌شی؟ یا به حال خوبی می‌گفتیم: «فکر کنم ۱۹ یا ۲۰».

کتاب عربی دهم «تمام» که الآن دارین مقدمه شو می‌خونین، می‌تونه حس قشنگی بهتون بده که حتی اگه کسی قبل امتحان هم بپرسه چند می‌شی؟ با خیال راحت بگی: «۲۰!». در این کتاب تلاش شده است که

- ۱ قواعد هر درس به‌طور کامل به همراه مثال‌های متعدد و با سؤالات متنوع آورده شود.
- ۲ متن هر درس علاوه بر ترجمه فارسی روان، دربرگیرنده محل اعرابی (نقش دستوری) تک تک کلمات نیز باشد که سهم قابل توجهی در کیفیت یادگیری مباحث مختلف پایه دهم و سال‌های آینده دارد.
- ۳ «تمام» تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه آن‌ها بررسی شود.
- ۴ بیش از ۲۴۰۰ تمرین تشریحی منطبق بر اهداف کتاب درسی به همراه پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی با پیش‌بینی دقیق محتوای امتحانات نهایی تألیف شود که پاسخ‌گوی «تمام» نیازهای شما در امتحانات داخلی و نهایی خواهد بود.
- ۵ در انتهای هر درس بخشی با عنوان «آنچه گذشت» آورده شود که می‌تواند مناسب‌ترین مرجع برای بازآموزی و حل تمرین بیشتر از درس‌های گذشته باشد. همچنین در انتهای همه دروس، یک آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی از آن درس آورده‌ایم که می‌تواند سنجش اثربخشی برای میزان تسلط شما بر آن درس باشد. گفتنی است در راستای ایجاد آمادگی هرچه بیشترتان در امتحانات میان‌نوبت و نوبت اول و دوم، ۶ سری آزمون استاندارد میان‌نوبت اول و دوم و ۶ سری آزمون استاندارد نوبت اول و دوم نیز برای شما نگاشته‌ایم. بنابراین در مجموع، کتاب عربی دهم «تمام» دارای ۲۰ آزمون تشریحی به همراه راهنمای تصحیح می‌باشد.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران انتشارات الگو، خانم ستین مختار، مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و آقای سامان شاهین‌پور و خانم مریم احمدی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از آقای مختار حسامی برای ویراستاری علمی کتاب سپاسگزاری می‌کنیم.

مع الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اساتید گرانقدر و دانش‌آموزان تلاشگر سراسر کشور خواشمن‌دیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازنده خویش محروم نساخته و ما را در بهبود اثربخش آن، یاری نمایند.

یا علی

ارادتمندان؛ محسن آهوئی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

بخش اول: درس‌نامه و تمرین‌های تشریحی

۱۳۴	الدَّرْسُ السَّادِسُ: اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ	۲	الدَّرْسُ الْاَوَّلُ: التَّعَارُفُ
۱۴۳	تمرین‌های پایان درس	۱۳	تمرین‌های پایان درس
۱۵۵	سؤالات امتحان نهایی	۲۲	سؤالات امتحان نهایی
۱۵۸	آزمون میان‌ترم دوم (۱)	۲۴	الدَّرْسُ الثَّانِي: اَلْاَعْدَادُ مِنَ الْوَاوِجِدِ اِلَى مِئَةٍ
۱۶۰	آزمون میان‌ترم دوم (۲)	۳۳	تمرین‌های پایان درس
۱۶۲	آزمون میان‌ترم دوم (۳)	۴۳	سؤالات امتحان نهایی
۱۶۵	الدَّرْسُ السَّابِعُ: الْجَارُّ وَالْمَجْرورُ وَ نونُ الْوَقَايَةِ	۴۵	آزمون میان‌ترم اول (۱)
۱۷۶	تمرین‌های پایان درس	۴۷	آزمون میان‌ترم اول (۲)
۱۸۹	سؤالات امتحان نهایی	۴۹	آزمون میان‌ترم اول (۳)
۱۹۱	الدَّرْسُ الثَّامِنُ: اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ	۵۱	الدَّرْسُ الثَّالِثُ: اَشْكَالُ الْاَفْعَالِ (۱)
۲۰۲	تمرین‌های پایان درس	۶۲	تمرین‌های پایان درس
۲۱۷	سؤالات امتحان نهایی	۷۴	سؤالات امتحان نهایی
۲۱۹	آزمون ترم دوم (۱)	۷۶	الدَّرْسُ الرَّابِعُ: اَشْكَالُ الْاَفْعَالِ (۲)
۲۲۱	آزمون ترم دوم (۲)	۸۸	تمرین‌های پایان درس
۲۲۴	آزمون ترم دوم (۳)	۹۹	سؤالات امتحان نهایی
	بخش دوم: پاسخ‌های تشریحی	۱۰۱	آزمون ترم اول (۱)
۲۲۸	پاسخ تشریحی تمرین‌های پایان درس	۱۰۳	آزمون ترم اول (۲)
۲۶۵	پاسخ تشریحی سؤالات امتحان نهایی و آزمون‌ها	۱۰۵	آزمون ترم اول (۳)
		۱۰۸	الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَ الْاِسْمِيَّةُ
		۱۲۰	تمرین‌های پایان درس
		۱۳۲	سؤالات امتحان نهایی

الجملة الفعلية و الاسمية

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

جملة فعلية

جملة فعلية: جمله‌ای که با فعل (ماضی - مضارع - امر - نهی و ...) آغاز می‌شود و دارای دو رکن اصلی «فعل + فاعل» است.
فعل: کلمه‌ای که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته حال یا آینده نشان می‌دهد. هر فعلی نیاز به فاعل (انجام دهنده) دارد.

فاعل

فاعل: کلمه‌ای است که انجام دهنده کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سؤال «چه کسی؟» و «چه چیزی؟» استفاده شود.
 جایگاه فاعل در جملات فعلیه غالباً بعد از فعل (اسم ظاهر) است^۱ و گاهی فاعل درون فعل (ضمیر بارز و مستتر) است و فاعل هیچگاه قبل از فعل و ابتدای جمله نمی‌آید. **مانند**

- ❖ يَجْتَهِدُ عَلِيٌّ فِي دروسه. (عَلِيٌّ: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- ❖ يُدَافِعُ الْمُؤْمِنُ عَنِ وَطَنِهِ الْإِسْلَامِيِّ. (المؤمن: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- ❖ ذَهَبْتُ هَذِهِ التَّلْمِيذَةَ إِلَى الْبَيْتِ. (هذه: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- ❖ سَلَّمَ طَالِبٌ عَلَى مُعَلِّمِنَا. (طالِبٌ: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- ❖ يَنْجَحُ فِي مَدْرَسَتِنَا طُلَّابٌ يَجْتَهِدُونَ كَثِيرًا. (طُلَّابٌ: فاعل از نوع اسم ظاهر)

انواع فاعل در زبان عربی

الف) فاعل بعد فعل (اسم ظاهر): اسمی که انجام‌دهنده کار است و بعد از فعل می‌آید و غالباً^۲ دارای نشانه مرفوع^۳ است. این نوع فاعل، فقط مخصوص صیغه‌های مفرد مذکر غائب و مفرد مؤنث غائب است.
ب) فاعل درون فعل (ضمیر بارز و مستتر): اگر فاعل بعد فعل نیامده باشد، فاعل درون فعل به صورت ضمیر بارز و مستتر در نظر گرفته می‌شود.

نکته فعل + فاعل (فاعل بعد فعل) فقط مخصوص صیغه‌های ۱ و ۴ (هو، هي) است یعنی صیغه‌های به جز ۱ و ۴ فاعلشان هیچگاه بعد فعل نیست و فاعل صیغه‌های به جز ۱ و ۴ حتماً به صورت «فعل و فاعل» است یعنی فاعلشان درون خود فعل است. **مانند**

- ❖ أَيُّهَا الطُّلَّابُ! نَحْنُ فِي إِمْتِحَانَاتِكُمْ. (فاعل: ضمیر بارز «نَمْ» در فعل «نَحْنُ»)
- ❖ هُمْ عَبَدُوا اللَّهَ بِالْإِخْلَاصِ. (فاعل: ضمیر بارز «واو» در فعل «عَبَدُوا»)
- ❖ الْمُسْلِمُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ. (فاعل: ضمیر بارز «واو» در فعل «يَجْتَمِعُونَ»)
- ❖ الطُّلَّابَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ بِدَقَّةٍ. (فاعل: ضمیر بارز «نون» در فعل «يَكْتُبْنَ»)

نکته هر فعلی فقط یک نوع فاعل دارد. فاعل بعد از فعل (اسم ظاهر) و یا درون فعل (ضمیر بارز و مستتر) است. پس فاعل در جملات فعلیه دو حالت دارد:

- ۱- **فعل + فاعل** (در این حالت فعل فقط باید صیغه ۱ و ۴ باشد) **مانند** يُجَاهِدُ الْمُؤْمِنُ.
 فعل فاعل
- ۲- **فعل و فاعل** (در سایر صیغه‌ها و گاهی صیغه ۱ و ۴) **مانند** يَتَكَلَّمُونَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
 فعل و فاعل

۱- ممکن است فاعل بلافاصله بعد از فعل یا با فاصله از فعل باشد.
 ۲- اگر فاعل اسم ظاهر، اسم اشاره (هذا، هذه، هؤلاء، ذلك، تلك، اولئك) و اسم موصول عام (مَنْ، مَا) و اسم موصول خاص (الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ، اللَّاتِي) باشد، نیازی به حرکت مرفوع ندارد

و اعرابش تغییر نمی‌کند و فقط در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد. **مانند**

- ❖ جَاءَ مِنْ دَرَسِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. ❖ ذَهَبَ هَذَا الْمُعَلِّمُ.
- ❖ جَاءَ هَؤُلَاءِ الرِّجَالِ.

۳- نشانه فاعل غالباً مرفوع است. مرفوع یعنی انتهای اسم یکی از نشانه‌های زیر را دارد:

- ۱) «**مُ**» **مانند** الْمُعَلِّمُ، رَجُلٌ
- ۲) «ان» در اسم مثنی **مانند** الطُّلَّابَانِ
- ۳) «ون» در اسم جمع مذکر **مانند** المسلمون

نکته فعل با فاعل از نظر جنس (مذکر و مؤنث) مطابقت دارد. **مانند**

جَلَسَ الْمُعَلِّمُ. جَلَسَتِ الْمُعَلِّمَةُ.

نکته فعل در ابتدای جمله مفرد می‌آید، به شرطی که فاعل آن فعل بعدش (فاعل اسم ظاهر) باشد. حتی اگر فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل قبل آن

مفرد می‌آید. **مانند**

مثال	فاعل	فعل
جَاهِدَ الْمُؤْمِنُ	مفرد مذکر	مفرد مذکر غائب صیغه ۱
جَاهَدَ الْمُؤْمِنَانِ	مثنی مذکر	
جَاهَدَ الْمُؤْمِنُونَ	جمع مذکر	
جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَةُ	مفرد مؤنث	مفرد مؤنث غائب صیغه ۴
جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَاتِ	مثنی مؤنث	
جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَاتُ	جمع مؤنث	
انْكَسَرَتِ الاشْجَارُ	جمع غیر عاقل	

نکته اگر فاعل جمع غیر انسان باشد فعل آن به صورت «مفرد مؤنث» می‌آید. **مانند**

العَاقِلُ مِنَ وَعَظَّتْهُ التَّجَارِبُ. انْقَطَعَتِ آمَالُهُمْ.

فعل مفعول فاعل فعل فاعل مآلیه

مفعول

فعل‌های متعدی (گذرا) در جملات فعلیه، دارای مفعول هستند. مفعول یک اسم، غالباً دارای نشانه منصوب^۱ است که بعد فعل می‌آید و انجام شدن کار توسط فاعل بر روی آن را مشخص می‌کند. مفعول غالباً در مقابل دو سؤال «چه کسی را» و «چه چیزی را» و گاهی معادل متمم‌های فارسی «به چه کسی» و «به چه چیزی»، «از چه کسی» و «از چه چیزی»، «با چه کسی» و «با چه چیزی» می‌باشد. **مانند**

كَتَبْتُ الرِّسَالَةَ. (نامه را نوشتم.)

يَأْكُلُ طَلَابُ مَدْرَسَتِنَا الْفُطُورَ فِي الْمَدْرَسَةِ. (دانش‌آموزان مدرسه ما، صبحانه را در مدرسه می‌خورند.)

شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ تَلَامِيذَهُ فِي الشَّارِعِ. (معلم، دانش‌آموزانش را در خیابان دید.)

لازم بذکر است که در مقابل سؤالات متمم در صورتی مفعول در نظر گرفته می‌شود که آن اسم با حرف جر همراه نباشد که در این صورت جار و مجرور محسوب می‌شود. **مانند**

سَأَلْتُ الْمُعَلِّمَ. (از معلم پرسیدم.)

مفعول

المشَاغِبُ يَضُرُّ الطَّلَابَ بسلوكه. (اخلاق‌گر به دانش‌آموزان با رفتارشان زیان می‌رساند.)

مفعول

وَصَلَّتْ إِلَى النِّتِيجَةِ. (به نتیجه رسیدم.)

جار و مجرور

يَخَافُ النَّاسُ مِنْ لِسَانِ أَهْلِ التَّارِ. (مردم از زبان اهل جهنم می‌ترسند.)

جار و مجرور

المُؤْمِنُ يُتَعَدَّى عَنِ الْمُعَاصِي. (مومن از گناهان دور شد.)

جار و مجرور

انواع مفعول

۱ اسم: غالباً منصوب و بعد فعل می آید. **مانند**

يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ. رأيتُ مَنْ عَلَّمَ الدَّرْسَ.

۲ ضمير مفعولی: فعل + ضمير متصل (ه، هما، هم، ...، كَ، كما، كم، ...). **مانند**

تَصَرَّكُمُ اللَّهُ... (ضمير «كُم»: مفعول) يُسَاعِدُكَ وَالِدُكَ فِي الشَّدَائِدِ. (ضمير «كَ»: مفعول)

سؤال عین الفعل و الفاعل و المفعول و الصفة و المضاف اليه في الجملات الفعلية.

الف) تُسَاعِدُ الْمُؤْمِنَاتُ الْآخِرِينَ. ب) أعطى الله بعض الناس ميراث الأنبياء.

یاسخ الف) تُسَاعِدُ: فعل / الْمُؤْمِنَاتُ: فاعل / الْآخِرِينَ: مفعول

ب) أعطى: فعل / الله: فاعل / بعض: مفعول / الناس: مضاف اليه / ميراث: مفعول / الأنبياء: مضاف اليه

جملة اسمیه

جملة اسمیه: جمله ای که با اسم^۱ آغاز می شود و دارای دو رکن اصلی «مبتدا + خبر» است.

مبتدا: اسمی (یک اسم) است که در آغاز جمله اسمیه می آید و غالباً مرفوع^۲ است. پی بردن به مفهوم عبارت و ترجمه و درک معانی جمله، مبتدا و خبر را مشخص می کند. **مانند**

الطَّالِبُ نَاجِحٌ. (الطَّالِبُ: مبتدا) هُوَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ. (هُوَ: مبتدا) هَذَا التَّلْمِيزُ فِي الْمَدْرَسَةِ. (هَذَا: مبتدا)

خبر: کلمه یا کلماتی است که پس از مبتدا می آید و معنای مبتدا را کامل می کند. برای یافتن خبر باید به ترجمه و مفهوم جمله توجه کنیم.

کلمات و عبارت «ناجِحٌ - يُعَلِّمُ - فِي الْمَدْرَسَةِ» در مثال های بالا «خبر» محسوب می شوند.

نوع خبر	مثال	انواع خبر
خبر مفرد: یک اسم و مرفوع (غالباً)	الطَّالِبُ عَادِلٌ / الطَّالِبَانِ عَادِلَانِ / الْمَعْلَمُونَ مَسْلُطُونَ	انواع خبر
خبر جمله فعلیه: یک فعل	الْمُؤْمِنُ سَجِدٌ / نَحْنُ نَتَكَلَّمُ	
خبر جار و مجرور	العجلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ	

نکته مبتدا و خبر می تواند دارای صفت یا مضاف اليه باشد. **مانند**

كَلَامُ الْإِنْسَانِ مَعْيَارٌ عَقْلِيٌّ. (كَلَامُ الْإِنْسَانِ مَعْيَارٌ: مبتدا / عَقْلِيٌّ: صفت خبر م اليه)
الْكِتَابُ الْمَفِيدُ غِذَاءُ الْفِكْرِ. (الْكِتَابُ الْمَفِيدُ: مبتدا / غِذَاءُ الْفِكْرِ: صفت خبر م اليه)

نکته اگر در جمله اسمیه خبر از نوع «فعلیه» باشد، باید در صیغه (جنس و تعداد) از مبتدای خود تبعیت کند. **مانند**

الطَّالِبُ يَنْجِحُ (يَنْجِحُ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
الطَّالِبَانِ يَنْجِحَانِ (يَنْجِحَانِ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
الطَّالِبَةُ تَنْجِحُ (تَنْجِحُ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
الطَّالِبَاتُ يَنْجِحْنَ (يَنْجِحْنَ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

اولویت خبر

اگر بعد مبتدا در جملات اسمیه، «جارو مجرور و اسم» یا «جارو مجرور و فعل» با هم باشد برای تعیین خبر باید طبق اولویت مشخص شده زیر عمل کرد:

۱ اگر بعد مبتدا «اسم + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + اسم» باشد، اولویت خبر حتماً با اسم است. **مانند**

الطَّالِبُ نَاجِحٌ فِي الصَّفِّ. (الطَّالِبُ: خبر / نَاجِحٌ: خبر / فِي الصَّفِّ: جار و مجرور)

۲ اگر بعد مبتدا «فعل + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + فعل» باشد، اولویت خبر حتماً با فعل است. **مانند**

الطَّالِبُ يَدْرُسُ فِي الصَّفِّ. (الطَّالِبُ: خبر / يَدْرُسُ: خبر / فِي الصَّفِّ: جار و مجرور)

۳ خبر زمانی از نوع جار و مجرور است که خبر دیگری از نوع اسم یا فعل در جمله نباشد. **مانند** الطَّالِبُ فِي الصَّفِّ.

۱- این اسم می تواند از ضمیر، اسم اشاره و یا اسم موصول باشد.

۲- منظور از مرفوع همان نشانه های «تُ»، «يُ»، «أَنْ»، «وَنْ» در اسم مثنی و «وَنْ» در اسم جمع مذکر است. البته اگر مبتدا، ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول و ... باشد نیازی به حرکت رفع ندارد.

سؤال عین المبتدا و الخبر و الصفة و المضاف اليه في الجملات التالية:

- (الف) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾
 (ب) الْمُمَرَّضَاتُ يَعْطِفْنَ عَلَى الْمَرْضَى.
 (ج) الْعَاقِلُ يَغْتَنِمُ الْفُرْصَةَ لِلْحَيَاةِ.
 (د) الْمُطَالَعَةُ غِذَاءٌ لِلرُّوحِ.

پاسخ (الف) الحمد: مبتدا / لله: خبر از نوع جار و مجرور / العالمين: مضاف اليه
 (ب) الممرضات: مبتدا / يعطفن: خبر از نوع فعل
 (ج) العاقل: مبتدا / يغتنم: خبر از نوع فعل / الفرصة: مفعول
 (د) المطالعة: مبتدا / غذاء: خبر از نوع اسم

نکته هر اسمی در ابتدای یک جمله لزوماً مبتدا نیست. به این دو عبارت دقت کنید. **مانند**

الיום أكملت لكم دينكم. فاطمة إجلسي.

نکته اگر در ابتدای جمله، جار و مجرور یا یکی از کلمات ظرف زمان و مکان باشد، باید جار و مجرور یا ظرف را به همراه متعلقات آن (صفت، مضاف اليه، مشار اليه و ...) در نظر نگرفت. بعد از این دو اگر فعل باشد، جمله فعلیه و اگر اسم باشد، جمله اسمیه است. **مانند**

- في هذه المدرسة رأيت أحسنَ أصدقائي. (جمله فعلیه)
 بعدَ غروب الشمسِ برجعُ أبي من المتجرِ. (جمله فعلیه)
 في الصيفِ ملابسنا تحقِّفُ بسرعة بسبب حرارة الجوِّ. (جمله اسمیه)
 في تلك الحديقة الجميلة رائحةُ الأزهارِ كثيرة. (جمله اسمیه)

سؤال عین الجملة الفعلية و الجملة الاسمية:

(الف) اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَلْوَانًا مُتَعَدِّدَةً فِي الْأَسْمَاكِ.
 (ب) لِبَطِّ خِرَانَاتٍ طَبِيعِيَّةً.

پاسخ (الف) فعلیه (ب) اسمیه

محل اعرابی ضمائر

ضمایر متصل عبارت اند از:

صیغه ضمیر	مفرد	مثنی	جمع	ترجمه
غائب	هـ	هما	هم	...ش، ...او
	ها	هما	هنَّ	...شان، ...آن‌ها
مخاطب	كـ	کُما	کُم	...ت، ...تو
	کـ	کُما	کُنَّ	...تان، ...شما
متکلم	وحده: ي	مع الغیر: نا		...م، ...من ...مان، ...ما

محل اعرابی ضمایر متصل هنگام اتصال به اقسام کلمات (اسم، فعل، حرف جر) این چنین است:

- اسم + ضمیر متصل ← مضاف اليه **مانند** کتابهم، مجتمعهم
 فعل + ضمیر متصل ← مفعول **مانند** عَرَفَهُمْ، يَضْرِبُوهُ، عَلَّمَنَا
 حرف جر + ضمیر متصل ← جار و مجرور **مانند** عَلَيكُمْ، لَنَا، مِنْهُ

نکته اسم‌هایی مانند ضمیر، اشاره، موصول و ... در جملات در نقش‌های مختلف قرار می‌گیرند ولی حرکت حرف آخر آن‌ها ثابت است و در محل اعرابی‌های مختلف تغییر نمی‌کند.

برای تعیین محل اعرابی این اسم‌ها:

- ۱ گاهی در محل اعرابی مبتدا است، اگر ابتدای جمله اسمیه باشد. **مانند**
- أَنْتُمْ لَا يَتَزَوَّجُونَ الدَّرْسَ. هَوْلَاءُ مَصَابِيحُ الْأَمَةِ. الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَنْتَصِرُونَ.
- ۲ گاهی در محل اعرابی فاعل است، اگر بعد فعل صیغه ۱ و ۴ (هو، هي) باشد. **مانند**
- يُجَاهِدُ أَوْلَئِكَ الرِّجَالُ. تَعَلَّمَ الْعَرَبِيَّةَ مَنْ كَانَ فِي صَفْنَا.
- ۳ گاهی در محل اعرابی مفعول است، اگر بعد فعل متعدی (مخصوصاً فعل صیغه به‌جز ۱ و ۴) باشد. **مانند**
- قَرَأْتُ هَذِهِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمَخْتَلِفَةَ. أَعْرِفُ مَنْ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْإِنْجِلِيزِيَّةِ.
- ۴ گاهی در محل اعرابی مجرور به حرف جر است، اگر بعد از حروف جازه باشد. **مانند**
- سَلَّمْنَا عَلَى تِلْكَ الْمَدِيرَةِ. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ.

سؤال عَيْنِ الْمَبْتَدَا وَالْخَبَرِ وَالصِّفَةِ وَالْمُضَافِ إِلَيْهِ فِي الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةِ:

- (الف) الْجَهْلُ أْخْطَرُ الْأَمْرَاضِ لِلنَّاسِ.
(ب) الْمُقَاتِلُونَ فِي سَاحَةِ الْمَعْرَكَةِ يُدَافِعُونَ عَنْ دِينِهِمْ.
(ج) الصَّدْقُ رَأْسُ الْفَضَائِلِ.

پاسخ (الف) الجهل: مبتدا / أخطر: خبر / الأمراض: مضاف إليه

(ب) المُقاتِلُونَ: مبتدا / المعركة: مضاف إليه / يُدافعون: خبر / هم: مضاف إليه

(ج) الصّدق: مبتدا / رأس: خبر / الفضائل: مضاف إليه

لغات و کلمات درس پنجم

لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات
إِبْتَعَدَ	دور شد (مضارع: يَبْتَعِدُ / إبتعاد)	الْبَطُّ	اردک	سَبَرُوا	حرکت کنید
إِتِّجَاهَ	جهت	الْبَكْتِيرِيَا	باکتری	صُدُور	سینه‌ها
إِحْتَوَى	در بر داشت - شامل شد (يحتوي / احتواء)	الْبُوم	جغد	ضَوْء	نور
إِخْلَاصَ	مخلص شدن - خالص کردن عمل	تَأَثَّرَ	تحت تأثیر قرار گرفت (يَتَأَثَّرُ / تأثر)	الظَّلَام	تاریکی
أَدَارَ	چرخاند، اداره کرد (يُدِيرُ / إدارة)	تَحَرَّكَ	حرکت کرد (يَتَحَرَّكُ / تحرك)	عَوَّضَ	جبران کرد (يُعَوِّضُ / تعويض)
إِسْتِطَاعَ	توانست (يَسْتَطِيعُ / استطاعة)	الجُرْحُ	زخم	الْفِصَّةَ	نقره
إِسْتِعَانَ	باری جست (يَسْتَعِينُ / استعانة)	حَتَّى	تا (حتى تبتعد: تا دور شود)	القُبْحُ	زشتی
إِسْتِفَادَ	استفاده کرد (يَسْتَفِيدُ / استفادة)	الجِرَاءَ	آفتاب‌پرست	قَسَمَ	قسمت کرد
إِضَاعَةَ	نابود کردن	حَرَكَ	حرکت داد (يُحَرِّكُ / تحريك)	القِطَّ	گرهه
إِضَافَةً إِلَى	افزون بر	الحَطَبُ	هیزم	القيد	بند
أَعْشَابَ طَبِيَّةٍ	گیاهان دارویی (عُشْبٌ طَبِي)	حَوَّلَ	تبدیل کرد (يُحَوِّلُ / تحويل)	اللِّسَانَ	زبان
أَعُوذُ	پناه می‌برم	خِرَانَةَ	انبار (جمع: خِرَانَات)	لَعِقَ	لیسید (يَلْعُقُ)
أَفَرَزَ	ترشح کرد (يُفَرِّزُ / إفراز)	الْخَلَّاقَ	بسیار آفریننده	المُضِيءَ	نورانی
إِلْتِمَامَ	بهبود یافت (يَلْتَمِئُ / إلتئام)	دَلَّ	راهنمایی کرد (يَدُلُّ)	المُطَهَّرَ	پاک شده
إِلْتِقَاطَ صُورٍ	عکس گرفتن	دُونَ أَنْ	بدون آنکه	مَلَكَ	مالک شد - فرمانروایی کرد (يَمْلِكُ)
إِنَارَةً	نورانی کردن	دُونَ أَنْ يَتَحَرَّكَ	بدون آن‌که حرکت کند	نَسِيَ	فراموش کرد
إِنْبَعَثَ	فرستاده شده (يَنْبَعِثُ، إنبعاث)	الدَّنْبَ	دُم	نَطَمَعُ	طمع می‌ورزیم
أَنْشَدَ	سرود (يُنشِدُ / إنشاد)	رَبِيَّتَ	روغن	النَّوْمَ	خواب
بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ	آفرین بر تو	السَّائِلَ	حرکت کرد (يَسِيرُ)	الْوَقَايَةَ	پیشگیری
بَرِّي	خشکی - صحرایی	السَّكِينَةَ	آرامش	الْيُسْرَ	آسانی



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْفَتْكَوت: ۳۰
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ (لقمان: ۱۱)

این آفرینش خداوند است.

<p>غواص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگارنگ را دیدند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود، و تاریکی دریا را به روز روشنی تبدیل می‌کند که غواص‌ها می‌توانند در نورهای این ماهی‌ها عکس‌هایی بگیرند. دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند. آیا امکان دارد که بشر، روزی از این معجزه دریایی بهره ببرد، و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد؟</p>	<p>الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلاً، مبتدا فعل و فاعل جار و مجرور مضاف‌الیه شَاهَدُوا مِثَابَ الْمَصَابِيحِ الْمَلَوْنَةِ خبر (فعل و فاعل) مفعول مضاف‌الیه صفت الَّتِي يَتَّبِعُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، فاعل مضاف‌الیه جار و مجرور صفت و تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ فعل و فاعل مفعول مضاف‌الیه جار و مجرور صفت يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ، جار و مجرور فاعل مفعول مضاف‌الیه جار و مجرور مضاف‌الیه اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ فاعل فعل و فاعل جار و مجرور جار و مجرور صفت الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ، فعل و فاعل مضاف‌الیه مضاف‌الیه هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، فعل و فاعل فاعل جار و مجرور صفت و يَسْتَعِينُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟ فعل و فاعل جار و مجرور صفت جار و مجرور مضاف‌الیه</p>
<p>چه بسا آن را بتواند (انجام دهد)، زیرا «هرکس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.»</p>	<p>رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، فعل و فاعل مفعول لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ» فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل فعل و فاعل</p>
<p>قطعا زبان گربه یک سلاح پزشکی دائمی است، زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کند، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می‌لیسد تا بهبود یابد.</p>	<p>إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طِبِّيٌّ دَائِمٌ، مضاف‌الیه صفت صفت لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تَفْرَزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، جار و مجرور فعل و فاعل مفعول صفت فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ، فاعل مفعول مضاف‌الیه مضاف‌الیه فعل و فاعل</p>

۱- اسم جمع مؤنث سالم (ات) در محل اعرابی مفعول (اعراب نصب) به جای «ات» یا «ات» به صورت «ات» یا «ات» می‌آید. **ملائم** رأيتُ المعلمات. مفعول و منصوب

◀ جواز (مع سائق سياره الأجرة) (گفت وگو (با راننده تاکسی)) ▶

السَّائِقُ گردشگر	سائقُ سياره الأجرة راننده تاکسی
أَيُّهَا السَّائِقُ، تُرِيدُ أَنْ تَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ. جناب راننده، می‌خواهیم به مدائن برویم.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا. من در خدمتتان هستم، بفرمایید.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟ مسافت از بغداد به آنجا چقدر است؟	أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةَ وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِترًا. گمان می‌کنم مسافت ۳۷ کیلومتر باشد.
لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟ چرا تعجب می‌کنی؟	عَجِيبٌ! لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟ عجیب است، چرا به مدائن می‌روید؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كَسْرَى؛ برای دیدن قبر سلمان فارسی و مشاهده طاق کسری.	لِأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ. چون به مدائن نمی‌روند مگر اندکی از زائران.
فِي الْبِدَايَةِ تَسَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ. ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه کربلا و نجف و سامرا و کاظمین مشرف شدیم.	زِيَارَةٌ مَقْبُولَةٌ لِجَمِيعِ! زیارت همگی قبول باشد!
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ. بله، او را می‌شناسم، او از یاران پیامبر (ص)، و اصلش از اصفهان است.	أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟ و آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا نه؟
بِالتَّأَكِيدِ: إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. البته، آن یکی از کاخ‌های پادشاهی ساسانی در قبل از اسلام است.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كَسْرَى؟ آفرین! و آیا اطلاعاتی هم در مورد طاق کسری داری؟
قَدْ أُنشِدُ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتَيْهِمَا إِيوَانَ كَسْرَى: دو شاعر بزرگ هنگام دیدن ایوان کسری، دو قصیده سروده‌اند:	مَا شَاءَ اللَّهُ! ما شاء الله! بَارَكَ اللَّهُ فَيْكَ! آفرین بر تو!
بُحْتَرِي مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرِ الْإِيرَانِيِّ. بُحْتَرِي مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ وَ خَاقَانِي شَاعِرِ إِيرَانِي. بُحْتَرِي از بزرگ‌ترین شاعران عرب و خاقانی شاعر ایرانی.	مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ! اطلاعاتت زیاد است!

کتاب درسی

التَّمارين

◀ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ۱) طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِينِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- ۲) عَضْوٌ خَلْفَ جِسْمِ الْحَيَوَانَ يَحْرُكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشْرَاتِ.
- ۳) نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالِجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.
- ۴) طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.
- ۵) عَدَمُ وُجُودِ الضَّوْءِ.
- ۶) نَشْرُ التَّوْرِ.

▶ پاسخ

- ۱) پرنده‌ای است که در مکان‌های متروکه زندگی می‌کند: در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌آید.
- ۲) عضوی است پشت بدن حیوان که اغلب آن را برای راندن حشره‌ها حرکت می‌دهد.
- ۳) گیاهانی مفید برای معالجه که از آنها مانند دارو استفاده می‌کنیم.
- ۴) پرنده‌ای است که در خشکی و آب زندگی می‌کند.
- ۵) نبود روشنایی.
- ۶) پخش کردن روشنایی.

- اليومَة (جغد)
الدَّذَبُ (دُم)
الأعشابُ الطَّيْبَةُ (گیاهان دارویی)
البَطُّ (أردک)
الطَّلَامُ (تاریکی)
إنارة (روشن کردن)

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

إِسَاءَةٌ إِحْسَانٌ	إِفْتَرَبَ إِتْبَعَدَ	سَلِمَ حَزِبَ	إِسْتَطَاعَ قَدَرَ
رُبَالَةٌ نُفَايَةٌ	عِدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ	ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	بَنَى صَنَعَ
قُرْبٌ بَعْدٌ	يَنْبُوعٌ عَيْنٌ	حُجْرَةٌ غُرْفَةٌ	غَيْمٌ سَحَابٌ
جَاهِزٌ حَاضِرٌ	غُصَّةٌ حُزْنٌ	مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ	فَرِحَ حَزِنَ

پاسخ

إِحْسَانٌ ≠ إِسَاءَةٌ خوبی کردن ≠ بدی کردن	إِفْتَرَبَ ≠ إِتْبَعَدَ نزدیک شد ≠ دور شد	سَلِمَ ≠ حَزِبَ صلح ≠ جنگ	إِسْتَطَاعَ = قَدَرَ توانست
نُفَايَةٌ = رُبَالَةٌ زباله	عِدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ دشمنی ≠ دوستی	ظَلَامٌ ≠ ضِيَاءٌ تاریکی ≠ روشنایی	بَنَى = صَنَعَ ساخت
قُرْبٌ ≠ بَعْدٌ نزدیک شد ≠ دور شد	يَنْبُوعٌ = عَيْنٌ چشمه	حُجْرَةٌ = غُرْفَةٌ اتاق	غَيْمٌ = سَحَابٌ ابر
جَاهِزٌ = حَاضِرٌ آماده	غُصَّةٌ = حُزْنٌ اندوه	مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ لطفاً	فَرِحَ ≠ حَزِنَ خوشحال ≠ ناراحت

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اَكْتُبِي اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

البَطُّ / الكِلَابُ / الغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الجِرْبَاءُ / البَقْرَةُ



(٣) دَنْبٌ جَمِيلٌ.
المُضَافُ إِلَيْهِ:



(٢) يُرْسِلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.
المَّفْعُولُ:



(١) تُعْطِي الْحَلِيبَ.
الْفَاعِلُ:



(٦) طَائِرٌ جَمِيلٌ.
الْخَيْرُ:



(٥) الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِ
الْمُبْتَدَأُ:



(٤) ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.
الْصِّفَةُ:

پاسخ

- (١) البَقْرَةُ - الْفَاعِلُ: البَقْرَةُ / گاو شیر می دهد.
(٢) الغُرَابُ - الْمَفْعُولُ: أَخْبَارُ / کلاغ، اخبار جنگل را می فرستد.
(٣) الطَّاوُوسُ - الْمُضَافُ إِلَيْهِ: الطَّاوُوسُ / دُم طاووس، زیباست.
(٤) الجِرْبَاءُ - الْصِّفَةُ: مُتَحَرِّكَةٌ / آفتاب پرست دارای چشمان متحرکی است.
(٥) الْكِلَابُ - الْمُبْتَدَأُ: الشَّرْطِيُّ / پلیس به وسیله سگها امنیت را حفظ می کند.
(٦) الْبَطُّ - الْخَيْرُ: طَائِرٌ / اردک، پرنده زیبای است.

أنوار القرآن

كَمَلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

- (١) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آل عمران: ١٨٥
هر کسی چشنده است. (می میرد)
- (٢) ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
و درباره آسمانها و زمین؛
- (٣) ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
[او می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده؛
- (٤) ﴿شُبْحَانَكَ قَنِا عَذَابَ النَّارِ﴾
تو پاکی؛ ما را از شکنجه نگاه دار؛
- (٥) ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾
پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و هیچ ندارند؛
- (٦) ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ آل عمران: ١٩٣-١٩١
ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما؛

پاسخ

- (١) مرگ (٢) آفرینش - می اندیشند (٣) نیافریده ای (٤) آتش
(٥) ستمگران - یاورانی (٦) شنیدیم - ایمان آوردیم

درس پنجم

تمرین های پایان درس

واژگان

ترجم الكلمات التي تحتها خط:

- ١٠٤٢ هل نَسْتَعِينُ بِتِلْكَ الْبَكْتِيرِيَا لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟
١٠٤٤ لِسَانُ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ.
١٠٤٦ ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾
١٠٤٨ الْتَأَمَّ جُرْحُ أَحِي الْأَكْبَرِ.
١٠٥٠ مَا شَاءَ اللَّهُ بَارَكَ اللَّهُ فَيْكًا.
- ١٠٤٣ قَامَ السَّائِحُ بِالتَّقَاطِ صُورٍ مِنَ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
١٠٤٥ يَسْتَطِيعُ الطَّالِبُ الْإِجَابَةَ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.
١٠٤٧ يَتَبَعُ فَرِيقٌ عِلْمِيٌّ إِلَى هُنَاكَ.
١٠٤٩ تَسْتَفِيدُ أُخْتِي مِنْ تَجَارِبِ الْآخَرِينَ.
١٠٥١ اللَّبْطَةُ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا.

انتخب الجواب حسب ترجمة المفردات المعيّنة:

- ١٠٥٢ هل لك معلومات عن الجرباء.
١٠٥٣ يُدِيرُ هَذَا الْحَيَوَانَ عَيْنِيهِ فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ.
١٠٥٤ عَيْنُ الْبَوْمَةِ ثَابِتَةٌ.
١٠٥٥ عَوْضُ أَعْمَالِكِ الْقَبِيحَةِ بِالْحَسَنَاتِ.
١٠٥٦ لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ هَذَا الْحَيَوَانَ.
١٠٥٧ لَا تَتَأَثَّرُ بِأَخْلَاقِ الْأَرَاذِلِ.
١٠٥٨ هُنَاكَ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِ الْبَطَّةِ.
- الف) آفتاب پرست (ب) گربه
 الف) می چرخد (ب) می چرخاند
 الف) گرگ (ب) جغد
 الف) جبران کرد (ب) جبران کن
 الف) حرکت نمی کند (ب) حرکت نمی دهد
 الف) تحت تأثیر قرار نمی گیریم
 (ب) تحت تأثیر قرار نمی دهیم
 الف) گناه (ب) دم

أُكْتُبُ مفرد أو جمع المُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

۱۰۵۹ العُشْبُ (الجمعُ المُكْسَرُ) :

۱۰۵۹ الزُّبُوتُ (المُفْرَدُ) :

۱۰۶۲ الصَّوَاءُ (الجمعُ المُكْسَرُ) :

۱۰۶۱ الأَحْرَارُ (المُفْرَدُ) :

أُكْتُبُ مفرد أو جمع الكلمات التي تحتها خطُّ:

۱۰۶۴ كُنْمُنَا سِرًّا وَلَيْتَنَا:

۱۰۶۳ نَطْلُبُ مِنَ اللَّهِ إِتْسِرَاحَ صُدُورِنَا:

انْتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ:

زُورِ (ب)

زِيَارَةٌ (الف)

۱۰۶۵ جمع «زائرٍ»:

إِخْتِصَاصٌ (ب)

خَاصَّةٌ (الف)

۱۰۶۶ مُفْرَدُ «خَوَاصِّ»:

كَمْ جَمْعُ تَكْسِيرٍ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ؟

۱۰۶۷ (الف) واحدٌ

۱۰۶۷ اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَتَّبِعُ مِنْ نَوْعِ مِنَ الْبَكْتَرِيَا الْمُضِيئَةِ.

(ب) اثنانِ

۱۰۶۸ الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِائَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ.

(ب) أربعة

۱۰۶۹ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ.

(ب) ثلاثة

(الف) اثنانِ

انْتِخِبِ الْمُتْرَادِفَ أَوْ الْمُتَضَادَّ مِنْ بَيْنِ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

(اِقْتَرَبَ - عُشِبَ - التَّأَمَّ - غُصَّةٌ - اسْتَطَاعَ)

۱۰۷۲ اِبْتَعَدَ ≠

۱۰۷۱ حُزِنَ =

۱۰۷۰ قَدَّرَ =

اجْعَلْ عَلَامَةَ التَّرَادِفِ أَوْ التَّضَادِّ بَيْنَ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ (= ≠):

۱۰۷۵ غَيِمَ سَحَابٌ

۱۰۷۴ عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ

۱۰۷۳ بَنَى صَنَعَ

انْتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُتْرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ:

(ب) مِنْ فَضْلِكَ

(الف) عَبَّرَ

۱۰۷۶ الْمُتْرَادِفُ لِمُفْرَدَةِ «رَجَاءٍ»:

(ب) حَزِينٌ

(الف) غُصَّةٌ

۱۰۷۷ الْمُتَضَادُّ لِمُفْرَدَةِ «فَرَحٌ»:

(ب) عَدَاوَةٌ

(الف) رُبَالَةٌ

۱۰۷۸ الْمُتْرَادِفُ لِمُفْرَدَةِ «نُفَايَةٌ»:

(ب) صَالِحٌ

(الف) حَزْبٌ

۱۰۷۹ الْمُتَضَادُّ لِمُفْرَدَةِ «سَلْمٌ»:

عَيْنِ الْمُتَضَادِّ لِكَلِمَةِ «بُعْدٌ» وَ الْمُتْرَادِفِ لِكَلِمَةِ «عُرْفَةٌ»:

لَبِثْتُ فِي حُجْرَةِ الْفُنْدُقِ الْكَبِيرَةِ.

قَرَّبْتُ صَدِيقِي مِنَ الْقَرْيَةِ الصَّغِيرَةِ.

۱۰۸۱ الْمُتْرَادِفُ لِكَلِمَةِ «عُرْفَةٌ»:

۱۰۸۰ الْمُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «بُعْدٌ»:

عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ التَّرْجُمَةِ:

الْبَطَّةُ

الْمَطْهَرُ

الطَّاوُوسُ

۱۰۸۲ الْغُرَابُ

الْتَأَمَّ

انْتَفَعَّ

اسْتَعْمَلَ

۱۰۸۳ اسْتَفَادَ

ترجمه

ترجم العبارات إلى الفارسيّة:

- ١٠٨٤ ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾
- ١٠٨٥ ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
- ١٠٨٦ ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
- ١٠٨٧ ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾
- ١٠٨٨ ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
- ١٠٨٩ صدرُ العاقلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ.
- ١٠٩٠ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.
- ١٠٩١ حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.
- ١٠٩٢ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
- ١٠٩٣ أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ.
- ١٠٩٤ الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.
- ١٠٩٥ مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ.
- ١٠٩٦ تَسْتَعِينُ حَيَوَانَاتِ الْغَابَةِ بِالْغُرَابِ لِلإِبْتِعَادِ عَنِ مِثْقَةِ الْخَطَرِ.
- ١٠٩٧ إِنَّ أَعْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِللُّغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمَلِّكُ لُغَةً عَامَّةً.
- ١٠٩٨ هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ الْمُخْتَلِفَةِ؟
- ١٠٩٩ الْعَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ.
- ١١٠٠ إِعْلَمُوا أَنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدِّ تَفَرُّزٍ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ١١٠١ بَعْضُ الطُّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِهَا.
- ١١٠٢ لِلبَّطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي رَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جَسْمِهَا.
- ١١٠٣ لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبَوْمَةِ، فَإِنَّهَا نَائِبَتُهُ وَ لَكِنَّ رَأْسَهَا يَتَحَرَّكُ فِي كُلِّ جِهَةٍ.
- ١١٠٤ سَأَلْتُ غَوَاصًّا ذَهَبَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ: مَاذَا تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ؟
- ١١٠٥ يَسْتَطِيعُ غَوَاصُّو الْبِلَادِ الْتِقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ.
- ١١٠٦ إِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ فِي لِسَانِ الْقِطِّ غُدَّةً يَخْرُجُ مِنْهَا سَائِلٌ مُطَهَّرٌ.
- ١١٠٧ الْأَضْوَاءُ الَّتِي تُسَاعِدُنَا فِي الْتِقَاطِ صُورٍ تَتَبَعْتُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ.
- ١١٠٨ أَوْلَتْكَ الْعَوَاصُونَ كَانُوا يَذْهَبُونَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِالْتِقَاطِ صُورٍ.
- ١١٠٩ نَحْنُ أَطِبَاءُ شَبَابٍ فَلَدِينَا أَعْشَابٌ طَبِيعِيَّةٌ نَسْتَحْدِمُهَا فِي مُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ أَحْيَانًا.
- ١١١٠ فِي الْبِدَايَةِ تَشْرَفُ أَعْضَاءُ أُسْرَتِي بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ.
- ١١١١ لِلنَّدَمِ عَلَى السُّكُوتِ فَضْلٌ عَلَى النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ فَعَلَيْكَ بِالسُّكُوتِ.
- ١١١٢ جَاءَ الطَّبِيبُ الْحَاقِظُ بِالْعُشْبِ الطَّيِّبِ وَ اسْتَعْمَلَهُ لِمُعَالَجَةِ مَرَضِي.
- ١١١٣ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةُ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ أَنْارَتْ تَعَجُّبِي.
- ١١١٤ يَلْتَقِ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِّمَ لِأَنَّ لِسَانَهُ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ.
- ١١١٥ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ أَخِي الْعَوَاصُ أَنْ يَلْتَقِظَ صُورًا فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.
- ١١١٦ مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ فَوَاصِلَ مُحَاوَلَاتِكَ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَافِكَ الْعَالِيَةِ.
- ١١١٧ تَعِيشُ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةُ تَحْتَ عَيُونِ الْأَسْمَاكِ فَيَحَاوِلُ الْعُلَمَاءُ لِتَعَرُّفِ عَلَيْهَا.

- ۱۱۱۸ بقي صديقي الحميم في منزله سبعة أيام حتى يلتئم جرحه العميق.
- ۱۱۱۹ تبتعد حيوانات الغابة سريعاً عن منطقة الخطر عند سماع صوت الغراب.
- ۱۱۲۰ تدل هذه الحيوانات الإنسان على الخواص الطبية لكثير من النباتات البرية.
- ۱۱۲۱ قد أشد شاعران كبيران قصيدتين عند مشاهدتهما إيوان كسرى.
- ۱۱۲۲ تستطيع الحيوانات من خلال لغتها العامة أن تفاهم مع بعضها.
- ۱۱۲۳ للطائر الذي لونه أسود صوت يحذر به بقية الحيوانات حتى تبتعد سريعاً عن منطقة الخطر.
- ۱۱۲۴ أيها الأطباء استعملوا الأعشاب المناسبة للوقاية من الأمراض المختلفة.
- ۱۱۲۵ للغابة جواسيس فهل يكون الغراب الذي يبعد الحيوانات عن منطقة الخطر جاسوساً؟
- ۱۱۲۶ نشاهد نبات المصابيح الملونة التي يتبعث ضوءها من الأسماك المضئبة.
- ۱۱۲۷ ينتشر هذا الزيت الخاص على جسم البطة ولا يتأثر بالماء.
- ۱۱۲۸ الماء من المطهرات فنستعين به في غسل أيدينا و ملايسنا.

انتخب الترجمة الصحيحة:

- ۱۱۲۹ هي تستطيع أن ترى في اتجاهين في وقت واحد.
- الف) آن می تواند که همزمان در دو جهت ببیند.
- ب) آن توانست که همزمان در دو جهت ببیند.
- ۱۱۳۰ رُبما يتجح ذلك الطالب في امتحانات آخر السنة الدراسية.
- الف) آن دانش آموز در امتحانات پایان سال تحصیلی موفق می شود.
- ب) چه بسا آن دانش آموز در امتحانات پایان سال تحصیلی قبول شود.
- ۱۱۳۱ إن جدي إضافة إلى امتلاكه لبقاع كثيرة يملك بستاناً كبيراً.
- الف) همانا پدر بزرگ من علاوه بر داشتن تکه زمینی بزرگ، باغ های بسیاری دارد.
- ب) همانا پدر بزرگم علاوه بر داشتن تکه زمین های بسیار، باغ بزرگی دارد.
- ۱۱۳۲ تعوض البومة هذا النقص بتحريك رأسها في كل جهة.
- الف) جغد، این کمبود را با حرکت دادن سرش در هر جهتی جبران می کند.
- ب) گریه، این کمبود را با حرکت دادن چشمش در هر جهتی جبران می کند.
- ۱۱۳۳ لهؤلاء الأطفال نقص في التغذية، فينصحهم الطبيب بتناول الفواكه لتعويضه.
- الف) این کودکان در تغذیه، کمبودی دارند. پس پزشک، آن ها را به خوردن میوه ها برای جبران آن نصیحت می کند.
- ب) این کودکان در تغذیه، کمبودی داشتند. پس پزشک، آن ها را به خوردن میوه ها برای جبران آن تشویق کرد.
- ۱۱۳۴ هل يستطيع هذا الحيوان أن يدير رأسه مئتين و سبعين درجة دون أن يحرك جسمها؟
- الف) آیا سر این حیوان دو بیست و هفتاد درجه می چرخد، بدون اینکه آن بدنش را حرکت دهد؟
- ب) آیا این حیوان می تواند که سرش را دو بیست و هفتاد درجه بچرخاند، بدون اینکه بدنش را حرکت دهد؟
- ۱۱۳۵ قد حوّلت الأسماك المضئبة ظلام البحر إلى نهارٍ مُضيءٍ.
- الف) ماهی های نورانی، تاریکی دریا را به روزی نورانی تبدیل کرده اند.
- ب) ماهی های نورانی، دریای تاریک را به روزی روشن تبدیل می کنند.
- ۱۱۳۶ إضاعة الفرصة غصة فاستفيدوا من الفرصة رجاءً.
- الف) تباہ کردن فرصت، «موجب» اندوه است. پس لطفاً از فرصت بهره ببرید.
- ب) از بین بردن فرصت، «موجب» اندوه است. پس لطفاً از فرصت استفاده کن.
- ۱۱۳۷ على الفلاح المُجدد بزراعة أشجار التفاح.
- الف) کشاورز تلاشگر، درختان سیب را خواهد کاشت.
- ب) کشاورز کوشا، باید درختان سیب را بکارزد.

كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- ١١٣٨ تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ.
..... می تواند که را در جهت های مختلف
- ١١٣٩ أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
ای، می خواهیم که به مدائن
- ١١٤٠ ذَلِكَ الشَّاعِرُ الشَّابُّ يُشِيدُ أَشْعَاراً جَمِيلَةً فِي مَدْحِ أَهْلِ الْبَيْتِ.
آن شاعر، اشعاری زیبا را در اهل بیت
- ١١٤١ لِشَجَرَةِ الْعِلْمِ ثَمَرَةٌ يَسْتَفِيدُ طَالِبُ الْعِلْمِ مِنْهَا.
درخت دانش، دارد که جوینده دانش، از آن
- ١١٤٢ سَأَلْتُ الْبَاحِثَ الْمُؤَدَّبَ: أَيُّ طَائِرٍ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ؟
از پژوهشگر باادب: کدام در و آب زندگی می کند؟
- ١١٤٣ ﴿وَصَرَبْنَا مَثَلًا وَنَسِي خَلْقَهُ﴾
و برای ما ضرب المثل و آفرینشش را
- ١١٤٤ مَنْ طَلَبَ مُشَاهَدَةَ طَاقِ كِسْرَى سَافَرَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
هرکس خواست که طاق کسری را، به مدائن
- ١١٤٥ رَبُّنَا عَادِلٌ وَهُوَ لَا يَظْلِمُ عِبَادَهُ أَبَدًا.
.....، عادل است و او هرگز به بندگانش
- ١١٤٦ يُرِيدُ اللَّهُ بِنَا الْيُسْرَ وَلَا يَكْلِفُنَا إِلَّا وُسْعَنَا.
خداوند بر ایمان می خواهد و جز به اندازه توانمان به ما

قواعد

عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفَعْلِيَّةَ وَالْإِسْمِيَّةَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١١٤٧ ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾
- ١١٤٨ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.
- ١١٤٩ تَعِيشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ١١٥٠ زُمْلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدْ سَوَاءٍ.
- ١١٥١ يَمْشِي عِبَادُ الرَّحْمَنِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا.
- ١١٥٢ ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾
- ١١٥٣ أَكْثَرُ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتَقَالِ فِي قِشْرِهِ؟
- ١١٥٤ مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي التَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ.
- ١١٥٥ يَنْصَحُ الْقَائِدُ الْمَسْؤُولِينَ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
- ١١٥٦ تَعَلَّمَ أَخِي اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ أَسْتَاذٍ.
- ١١٥٧ تَنَاوَلُ الْفَوَاكِهَ الْمُخْتَلِفَةَ مُفِيدٌ لَكُمْ.

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَعْيِينِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ١١٥٨ غُمْلَاءُ الْعَدُوِّ يَعْمَلُونَ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. الف) خبر (ب) مضاف إليه
- ١١٥٩ إِبْلِي حَقِيبَةٌ أُخْتِكَ إِلَى هُنَا. الف) فاعل (ب) مفعول
- ١١٦٠ حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيْشِ. الف) صفة (ب) خبر

١٢٥٧] خُذْ جَوَازَكَ. فِي أَمَانِ اللَّهِ.

١٢٥٨] ﴿تَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ﴾

١٢٥٩] إِنِّانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّجِيمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ.

١٢٦٠] لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ.

ترجم الأفعال التي تحتها خط:

«تأثر: تحت تأثير قرار گرفت»

.....	١٢٦١] لِمَاذَا لَا تَتَأَثَّرِينَ بِأَخْلَاقِ أَخِيكَ.
.....	١٢٦٢] لَا تَتَأَثَّرْنَ بِجَلِيسَاتِ السَّوِّءِ رَجَاءً.
.....	١٢٦٣] سَوْفَ تَتَأَثَّرُ بِالْعُلَمَاءِ.
.....	١٢٦٤] صَدِيقِنَا كَانَ يَتَأَثَّرُ بِنَا.
.....	١٢٦٥] جِسْمُ الْبَطَّةِ مَا تَأَثَّرَ بِالْمَاءِ.
.....	١٢٦٦] أَنْتَنَ تَأَثَّرْتَنَ بِالْمَرْأَةِ الَّتِي كَانَتْ عَالِمَةً.
.....	١٢٦٧] أَوْلَاكَ تَأَثَّرُوا بِمُرَافِقِهِمْ.

«حذر: هشدار داد»

.....	١٢٦٨] وَالِدَايَ حَذَّرَا مُحَمَّدًا مِنْ مُجَالَسَةِ الْجُهَالِ.
.....	١٢٦٩] حَذَّرِي بِنْتِكَ مِنْ ارْتِكَابِ الذَّنُوبِ الْكَبِيرَةِ.
.....	١٢٧٠] الْعُلَمَاءُ سَيَحَذَّرُونَ النَّاسَ مِنْ مُصَادَقَةِ عَمِيلِ الْعَدُوِّ.
.....	١٢٧١] أُخْتِي مَا حَذَّرْتُ صَدِيقَتَهَا إِلَّا تَهَنَّ فِي الدَّرَاسَةِ.

رتب الكلمات و صُغِ الجملات المطلوبة ثم ترجم العبارات:

١٢٧٢] ذَهَبُوا / إِلَى / الْمُحِيطِ / أَعْمَاقِ / الْعَوَاصِرِ ← الجملة الاسمية

١٢٧٣] شَاعِرَانِ / قَصِيدَتَيْنِ / قَدْ / كَبِيرَانِ / أَنْشَدَ ← الجملة الفعلية

مكالمه

رتب الكلمات و اكتب سؤالاً صحيحاً:

(السائحون - المدائن - إلى - يذهب - ليم)

١٢٧٤] «.....؟ لزيارة مرقد سلمان الفارسي.»

انتخب الجواب الصحيح في الحوار:

١٢٧٥] أَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟

الف) نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ.

ب) لَا، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) وَ أُصَلُّهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.

١٢٧٦] هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كِسْرَى؟

الف) لَا، إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ.

ب) بِالْأَكِيدِ.

درس پنجم

سؤالات امتحان نهایی

شماره صفحات پاسخ: ۲۷۵

ردیف	نمره	سؤال
۱	۱/۲۵	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُقَرَّرُ سَائِلًا مُطَهَّرًا. ب) هل التَّامُّ جُرْحٌ أَحْيَاكَ الْأَكْبَرُ؟
۲	۰/۵	أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (اسْتَطَاعَ - قَرَّبَ - حَوَّلَ - أَنْشَدَ - بَعَدَ - قَدَّرَ) الف) = ب) ≠
۳	۰/۲۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى (حَسَبِ الْمَعْنَى): □ الف) الشَّاعِر □ ب) السَّحَاب □ ج) الأَبْيَات □ د) القَصِيدَة
۴	۰/۵	أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: الف) ذَنْبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ. ب) تَكَلَّمَ الأَطْبَاءُ حَوْلَ الأَمْرَاضِ المُخْتَلِفَةِ مَعًا.
۵	۵	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: الف) عَلَى الْبَشَرِ بِالِاسْتِفَادَةِ مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ. (۰/۵) ب) «أُتَامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (۰/۷۵) ج) رُبَّمَا يَسْتَعْمِلُ الطَّبِيبُ الْحَادِثُ غُشْبًا طَبِيبًا لِمُعَالَجَةِ الْوَالِدِ؟ (۰/۷۵) د) كَانَ السَّانِحُونَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ لَزِيَارَةِ أَحَدِ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ. (۰/۷۵) هـ) يَسْتَعِينُ الْفَلَّاحُ الْمُجْدُّ بِزَوْجَتِهِ فِي زِرَاعَةِ أَشْجَارِ التَّنَّاجِ. (۰/۷۵) و) عِنْدَمَا تَسْمَعُ الْحَيَوَانَاتُ صَوْتَ الْغُرَابِ تَبْتَعِدُ عَنِ مَنَاطِقِ الْخَطَرِ. (۰/۷۵) ز) جَاءَ أَحِي عِنْدِي بِالْبَاحِثِ الَّذِي كَتَبَ مَقَالَاتٍ عَنِ جَوَاسِسِ الْغَابَةِ. (۰/۷۵)
۶	۰/۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) قَدْ اسْتَطَاعَ مُحَمَّدٌ التِّقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. □ ۱) مُحَمَّدٌ تَوَاسَّطَهُ اسْتِ كَهْ دَر نُورِهَايِ اَيْنِ مَاهِيْهَا، عَكْسِ بَكِيرِد. □ ۲) مُحَمَّدٌ مِي تَوَاسَّطَهُ اسْتِ كَهْ دَر نُورِهَايِ اَيْنِ مَاهِيْهَا، عَكْسِ هَابِي بَكِيرِد. ب) لِلْأَعْشَابِ الطَّبِيبَةِ تَأْثِيرَاتٌ عَلَى مُعَالَجَةِ بَعْضِ الْأَمْرَاضِ. □ ۱) گِیَاهَانِ دَارُوِي، تَأْثِیْرَاتِي بَرِ دَرْمَانِ بَعْضِي اَزِ بِيْمَارِيْهَا دَارِنْد. □ ۲) بَعْضِي اَزِ گِیَاهَانِ دَارُوِي، تَأْثِیْرَاتِي بَرِ دَرْمَانِ بِيْمَارَانِ دَارِنْد.
۷	۱	كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) أَيْهَا الرِّجَالُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَتَفَاهَمُوا مَعَ بَعْضِكُمْ. أى شما باید با یکدیگر ب) أَمْ تَمْلِكُ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ لُغَةً عَامَّةً؟ آیا حیوانات، زبانی دارند؟
۸	۲	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ: «شَاهِدْ: دِيد» الف) الْغَوَاصُونَ شَاهَدُوا مِثَابَ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ. ب) سَبَّأَهُدُ أَبِي مَعَالِمٍ أَثْرِيَّةً. ج) شَاهِدِي نَزُولَ الْمَطْرِ مِنَ السَّمَاءِ. د) هُمْ كَانُوا يُشَاهِدُونَ ظَاهِرَةَ غَرِيبَةٍ. هـ) سَوَفَ نُشَاهِدُ وَلِيَّتَنَا الْحَمِيمِ. و) مَا شَاهَدْتُ الْأَسْتَاذَ فِي الْمَكْتَبَةِ. ز) أَنْتَ لَا تُشَاهِدُ الْوَالِدَ فِي الْجَلْسَةِ. ح) زَمِيلَايِ يُشَاهِدَانِ صُورًا مِنْ مَسْجِدِ.

آزمون ترم دوم (۳)

شماره صفحات پاسخ: ۲۸۴

ردیف	نمره	سؤال
۱	۱/۲۵	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) أُجِيتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي. ب) تَضْرِبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَةَ الْقَرِشِ بِأَنُوفِهَا الْحَادَّةِ.
۲	۰/۵	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (فَجَاءَةٌ - كِبَارٌ - شَرَشَفٌ - مَوْسُوعَةٌ - صِغَارٌ - بَغْتَةٌ) الف) = ب) ≠
۳	۰/۲۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى (حَسَبِ الْمَعْنَى): <input type="checkbox"/> الف) السَّوَاجِلُ <input type="checkbox"/> ب) الْبِحَارُ <input type="checkbox"/> ج) الْمُحِيطَاتُ <input type="checkbox"/> د) الظَّلَامُ
۴	۰/۵	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: أَنْصَحَكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ.
۵	۵	ترجم العبارات إلى الفارسية: الف) قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيعِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ. (۰/۷۵) ب) أَعْلَقْنَا هَذَا الْمَضِيقَ بِسَدٍّ عَظِيمٍ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ. (۰/۷۵) ج) لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، وَجَدْتُ دُلْفِينًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ. (۰/۷۵) د) اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ يُبَيِّنُ اتِّحَادَ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. (۰/۷۵) هـ) ابْحَثُوا عَنِ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ لِأَنَّهُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. (۰/۷۵) و) سَلِ الْمَصْنَعِ زَكِيًّا تَهَيِّمُ فِي الْفَلَوَاتِ. (۰/۵) ز) ذَهَبَ جَيْشُنَا الْقَوِيُّ لِمُحَارَبَةِ أَعْدَائِنَا وَ إِخْرَاجِهِمْ مِنَ الْحُدُودِ. (۰/۷۵)
۶	۰/۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: الف) عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. <input type="checkbox"/> ۱) شما باید خدا را یاد کنید؛ زیرا آن، نور قلب است. <input type="checkbox"/> ۲) تو باید خدا را یاد کنی؛ زیرا آن، نور دل است. ب) «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» <input type="checkbox"/> ۱) بخوان و پروردگار تو گرامی است؛ همان که با قلم آموزش داد. <input type="checkbox"/> ۲) بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
۷	۱	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ: الف) «وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» و مرا با رحمتت در زمره در سستکارت، ب) الْبُيُوتَةُ تَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ. در مکان‌های زندگی می‌کند.
۸	۱	ترجم الأفعال التي أُشير إليها بخط: «جَعَلَ: قرار داد» الف) رجاءٌ: اجعلوا جوازاتكم في أيديكم. «انتقل: جابه‌جا شد» ج) تنتقل الأخشاب من الغابة إلى مصنع الورق. ب) «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» د) ما انتقلت البضائع إلى الحُجْرَةِ.

۱۱۰۶ دانشمندان کشف کردند که در زبان گربه، غده‌ای هست که مایعی پاک‌کننده از آن خارج می‌شود.

۱۱۰۷ نورهایی که به ما در عکس گرفتن کمک می‌کند، از نوعی از باکتری نورانی فرستاده می‌شود.

۱۱۰۸ آن غواص‌ها برای عکس گرفتن به اعماق اقیانوس می‌رفتند.

نکته: چنانچه پس از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود. هرچند اسم «ال» دار، اسمی مثنی یا جمع باشد. مثال: «أَوْلَتْكَ الْغَوَاصُونَ: آن غواصان»

۱۱۰۹ ما پزشکانی جوان هستیم. پس گیاهانی دارویی داریم که آن را گاهی در درمان کردن بیماری‌ها به کار می‌گیریم.

۱۱۱۰ در آغاز (شروع)، اعضای خانواده‌ام به زیارت عتبات (آستانه‌های) مقدس در شهرهای چهارگانه مشرف شدند.

۱۱۱۱ پشیمانی بر سکوت، بر پشیمانی بر سخن برتری دارد. پس شما باید ساکت باشید.

۱۱۱۲ پزشکِ توانمند، گیاه دارویی را آورد و آن را برای درمان کردن بیماری‌ام به کار بست.

نکته: «جاءَ + بِ: آورد»

۱۱۱۳ باکتری نورانی که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند، تعجب‌برانگیز است.

۱۱۱۴ گربه، زخمش را چند مرتبه می‌لیسَد تا بهبود بیاید؛ زیرا زبانش، سلاح پزشکیِ همیشگی است.

نکته: چنانچه پس از حرف «حَتَّى» فعل مضارع بیاید، این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «حَتَّى يَلْتَمِمَ: تا بهبود یابد».

۱۱۱۵ چه بسا برادرِ غواصم بتواند که در نورهای این ماهی‌ها، عکس (عکس‌هایی) بگیرد.

نکته: چنانچه پس از «رُبَّمَا» فعل مضارع بیاید؛ این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ: چه بسا بتواند».

۱۱۱۶ هرکس چیزی را خواست و کوشید، «آن را» یافت. پس تلاش‌هایت را برای رسیدن به اهداف و الایت ادامه بده.

۱۱۱۷ باکتری نورانی زیر چشمان ماهی‌ها زندگی می‌کند. پس دانشمندان برای شناختن آن تلاش می‌کنند.

۱۱۱۸ دوست گرم و صمیمی‌ام، هفت روز در خانه‌اش ماند تا زخم عمیقش بهبود یابد.

۱۱۱۹ حیواناتِ جنگل، هنگام شنیدن صدای کلاغ، از منطقه خطر سریع دور می‌شوند.

۱۱۲۰ این حیوانات، انسان را به خواص دارویی (پزشکی) بسیاری از گیاهان صحرائی راهنمایی می‌کنند.

۱۱۲۱ دو شاعر بزرگ، قصیده‌هایی (دو قصیده) را هنگام دیدارشان از ایوان کسری سروده‌اند.

نکته: چنانچه پس از حرف «قَدْ» فعل ماضی بیاید؛ این فعل ماضی، معادل ماضی نقلی در فارسی است. مثال: «قَدْ أَشَدَّ شَاعِرَانِ...: دو شاعر... سروده‌اند».

۱۱۲۲ حیوانات از طریق زبان همگانی خود، می‌توانند که با هم به تفاهم برسند.

نکته: «لَعَنَهَا الْعَامَّةُ» ترکیب مخلوط وصفی اضافی به معنای «زبان همگانی خود» است.

۱۱۲۳ پرنده‌ای که رنگش سیاه (مشکی) است، صدایی دارد که به وسیله آن به حیوانات هشدار می‌دهد تا از منطقه خطر سریع دور شوند.

۱۱۲۴ ای پزشکان، گیاهان مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار بگیرید.

۱۱۰۸۳ - «إِسْتَفَادَ: استفاده کرد»، «إِسْتَعْمَلَ: به کار بست» و «إِنْتَفَعَ: بهره بُرد» با هم ارتباط معنایی دارند. اما «الْتَأَمَّ: بهبود یافت» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.

۱۱۰۸۴ بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد. نکته: «أَنْظُرُوا» فعل امر به معنای «نگاه کنید» است و نباید به صورت فعل ماضی «نگاه کردند» ترجمه شود.

۱۱۰۸۵ آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟

۱۱۰۸۶ خداوند، کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند. نکته: حرف «لَا» منفی‌کننده فعل مضارع است. مثال: «لَا يُكَلِّفُ» تکلیف نمی‌کند»

۱۱۰۸۷ برای خودم مالک سود و زبانی نیستم، جز آنچه خدا بخواهد.

۱۱۰۸۸ پس خداوند، آرامشش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل کرد (فرو فرستاد). نکته: «أَنْزَلَ» فعل ماضی به معنای «نازل کرد» است و نباید به صورت مضارع «نازل می‌کند» ترجمه شود.

۱۱۰۸۹ سینه خردمند، صندوق (جعبه) رازش است.

۱۱۰۹۰ میوه دانش، اخلاص (خالص شدن) عمل است.

۱۱۰۹۱ نیکی ادب، زشتی نسب را می‌پوشاند.

۱۱۰۹۲ دشمنی کردن خردمند، بهتر از دوستی کردن نادان است.

۱۱۰۹۳ بزرگ‌ترین نادانی، زیاده‌روی در ستایش و نکوهش است.

۱۱۰۹۴ حسد، نیکی‌ها را می‌خورد، همانگونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

۱۱۰۹۵ خداوند برای بندگان، چیزی را برتر از خرد، تقسیم نکرد.

نکته: حرف «مَا» منفی‌کننده فعل ماضی است. مثال: «مَا قَسَمَ: تقسیم نکرد»

۱۱۰۹۶ حیوانات جنگل، برای دور شدن از منطقه خطر از کلاغ یاری می‌جویند.

۱۱۰۹۷ همانا بیشتر حیوانات، علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود، زبانی عمومی (همگانی) دارند.

۱۱۰۹۸ آیا امکان دارد که بشر روزی از آن معجزه دریایی برای نورانی کردن شهرهای مختلف بهره ببرد؟

نکته: چنانچه پس از حرف «أَنَّ» فعل مضارع بیاید، این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «أَنَّ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»

۱۱۰۹۹ غواصانی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگی را دیدند.

۱۱۱۰۰ بدانند که زبان گربه، سلاح پزشکی همیشگی است، زیرا آن پُر است از غده‌هایی که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کنند.

۱۱۱۰۱ بعضی از پرندگان و حیوانات، با غریزه (طبیعت) خود، گیاهان دارویی را می‌شناسند و کیفیت (چگونگی) به کار بستن آن را می‌دانند.

۱۱۱۰۲ اردک، غده‌ای طبیعی در نزدیکی دمش دارد که روغن خاصی را در بر دارد که آن را بر بدنش پخش می‌کند.

نکته: اگر «لِ» در ابتدای جمله، بر سر اسم یا ضمیر متصل بیاید، به معنای «داشتن» است. مثال: «لِلْبَلْبَةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ: اردک غده‌ای طبیعی دارد»

۱۱۱۰۳ چشم جغد، حرکت نمی‌کند، پس آن ثابت است، ولی سرش در هر جهتی حرکت می‌کند.

۱۱۱۰۴ از غواصی که به اعماق اقیانوس رفت (رفته بود)، پرسیدم: چه چیزی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کند؟

۱۱۱۰۵ غواصان کشور می‌توانند که در نورهای ماهی‌های نورانی، عکس (عکس‌هایی) بگیرند.

نکته: هرگاه اسم جمع مذكر سالم، مضاف واقع شود، «ن» آخر آن حذف می‌شود. مثال: «غَوَاصُونَ + الْبِلَادِ = غَوَاصُو الْبِلَادِ: غواصان کشور»

پاسخ تشریحی سؤالات امتحان نهایی

ردیف	راهنمای تصحیح	بارم
۱	الف) گربه / مایعی (مایع) / پاک کننده (ص ۶۴) ب) بهبود یافت / زخم (ص ۶۴)	۱/۲۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۲	الف) إِسْتِطَاعٌ = قَدَّرَ (ص ۷۳) ب) قَرَّبْتُ ≠ بَعَدَ (ص ۷۳)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۳	ب (ص ۷۱) (۰/۲۵)	۰/۲۵
۴	الف) أذْنَابٌ (ص ۶۸) ب) المَرَضُ (ص ۶۵)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۵	الف) بشر باید از آن معجزه دریایی بهره ببرد. (ص ۶۴) (۰/۵) ب) آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ (ص ۷۶) (۰/۷۵) ج) چه بسا پزشکِ توانمند، گیاهی دارویی را برای درمان کردنِ پدرت به کار گیرد. (ص ۶۵) (۰/۷۵) د) گردشگران برای دیدن یکی از کاخ‌های پادشاهان ساسانی به مدائن می‌رفتند. (ص ۷۱) (۰/۷۵) هـ) کشاورزِ کوشا از همسرش در کاشتنِ درختانِ سیب یاری می‌جوید. (ص ۷۰) (۰/۷۵) و) هنگامی که حیوانات، صدای کلاغ را می‌شنوند، از منطقه خطر دور می‌شوند. (ص ۶۶) (۰/۷۵) ز) برادرم، پژوهشگری را نزد من آورد که مقالاتی را درباره جاسوس‌های جنگل نوشت (نوشته بود). (ص ۶۶) (۰/۷۵)	۵
۶	الف) ۱ (ص ۶۴) ب) ۱ (ص ۶۵)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۷	الف) مردم / به تفاهم برسید (تفاهم کنید) (ص ۶۶) ب) بیشتر / همگانی (ص ۶۶)	۱ (هر مورد ۰/۲۵)
۸	الف) دیدند ب) خواهد دید ج) ببین د) می‌دیدند هـ) خواهیم دید و) ندیدم ز) نمی‌بینی ح) می‌بینند	۲ (ص ۶۴) (هر مورد ۰/۲۵)
۹	الف) اِكْتَشَفَ (ص ۶۴) ب) تَعَوَّضَ (ص ۶۲) ج) اِذْهَبَا (ص ۶۴) د) لَا تَسْتَفِيدِي (ص ۶۴)	۱ (هر مورد ۰/۲۵)
۱۰	الف) جمله اسمیه ب) جمله فعلیه ج) جمله فعلیه د) جمله اسمیه جمله اسمیه هـ) جمله اسمیه و) جمله فعلیه	۱/۵ (ص ۷۰) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۱	الف) الفاعل: زَمِيلٌ / المفعول: ذِكْرِيَاتٍ ب) الفاعل: ظَاهِرَةٌ / المفعول: التَّاسِ	۱ (ص ۷۵) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۲	الف) المُبْتَدَأُ: طَلَبُ / الخَبَرُ: قَرِيضَةٌ ب) المُبْتَدَأُ: آفَةٌ / الخَبَرُ: التَّسْبَانُ	۱ (ص ۷۵) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۳	الف) التَّاسُ: فاعل ب) تَمَرٌ: مبتدأ / الكَبِيرَةُ: صفت / لَذِيذٌ: خبر	۱ (ص ۷۶) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۴	الف) فعل مضارع ب) فعل ماضی	۰/۵ (ص ۷۰) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۵	الف) الدَّنْبُ ب) إِخْلَاصٌ ج) الإِنَارَةُ د) الظَّلَامُ	۱ (ص ۷۰ و ۷۱) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۶	الف) العَوَاصِوَنَ ب) لَبِائًا ج) شاهدوا مِثَالِ المَصَابِيحِ المُلَوَّنَةِ. د) مِنَ الأَسْمَاقِ المُضَيِّئَةِ	۱ (ص ۶۴) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۷	۲	۰/۵ (ص ۷۱) (۰/۵)
۱۸	نَعَمْ: إِنَّهُ مِنَ أَصْحَابِ النَّبِيِّ.	۰/۵ (ص ۷۱) (۰/۵)
۲۰	پایان	